




Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.83725.1312>

مقاله پژوهشی-مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۵

ارزیابی تحقق‌پذیری برنامه‌های راهبردی در شهرهای ایران با تاکید بر شهر شهرکرد

گشتاسب کیانی (دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران)

gashtaseb.kiani@yahoo.com

کوروش افضلی (استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد

اسلامی، کرمان، ایران، نویسنده مسئول)

kkafzali@yahoo.com

کرامت‌الله زیاری (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

zayyari@ut.ac.ir

صص ۲۵ - ۱

چکیده

تا کنون برای تبیین تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری بویژه برنامه‌ریزی شهری راهبردی در ایران اقدام قابل توجهی انجام نگرفته است. طرح‌هایی که تاکنون در این قالب ارائه شده‌اند، مورد ارزیابی و سنجش کیفیت قرار نگرفته‌اند هدف از طرح مسئله تبیین تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی شهری راهبردی در فرهنگ شهرسازی ایران (نمونه موردی شهرکرد): دستیابی به برنامه‌ای است که بتواند مسائل شهر شهرکرد را در سطوح فراملی، ملی، منطقه‌ای و محلی تشخیص داده و بر اساس آن هدف‌های لازم را تدوین نماید. روش تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت از جمله تحقیقات ترکیبی (کمی-کیفی) و به لحاظ هدف از جمله تحقیقات کاربردی به شمار می‌آید. که ابتدا با استفاده از نرم افزار تحلیلی MAXQDA کدهای فرعی، محوری و گزینشی جهت شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری استخراج می‌شوند. به این صورت که برای مشخص شدن تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری

در مقیاس جهانی ابتدا منابع مختلف اعم از کتاب‌ها، مقالات، گزارشات، طرح‌های مختلف توسعه شهری مطالعه شد، سپس با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA اقدام به کدگذاری مطالب شد. در ادامه برای اولویت بندی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر تحقق پذیری طرح‌های توسعه شهری از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره تاپسیس استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز به صورت آماری، اسنادی، توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای گردآوری خواهد شد. بررسی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با بررسی ادبیات تخصصی پژوهش مشخص شد، موارد مختلفی بر عدم تحقق پذیری طرح‌های توسعه شهری تأثیرگذار است، در بسیاری از تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته، بر این نکته تأکید شده است که مکانیسم‌های متفاوتی بر عدم تحقق در همه مناطق تأثیر داشته است. بنابراین وجه مشترک اغلب این تحقیقات تأکید بر الزامات ساختاری در مقیاس ملی و منطقه‌ای بوده که بیشتر منطبق بر الگوی مدیریت متمرکز و بخشی است. علاوه بر این ابعاد فضایی در حوزه انسانی و طبیعی بر وضعیت تحقق پذیری تأثیرگذار است. این تأثیر به تبع شرایط حاکم بر محدوده‌های مختلف گاهی موجب تأثیر منفی بر وضعیت تحقق پذیری دارد و در برخی موارد نیز تأثیر مثبت دارد.

واژگان کلیدی: طرح‌های توسعه شهری، برنامه‌ریزی راهبردی، فرهنگ شهرسازی، تحقق پذیری، شهرشهرکرد

۱. مقدمه

امروزه شهرهای کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، با رشد بی‌رویه شهرنشینی و مسائل متعدد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی، مدیریتی، و در نهایت ناپایداری مواجه‌اند (گرچی پور ۱۳۹۹ ص ۸۶۱). مطالعات نشان می‌دهد آنچه تا کنون در بسیاری از کشورها و بیشتر در کشورهای در حال توسعه رخ داده است رشد شهری است که با دو عامل افزایش جمعیت در حومه‌های شهری و گسترش کالبدی شهرها نمود یافته است (Benites & Simoes 2021; 2). علاوه بر این موارد، پیچیدگی سیستم‌های شهری و ناکارآمدی طرح‌ها و روش‌های سنتی با راه‌حل‌های تک‌بعدی و ناتوانی این روش‌ها در پاسخ‌گویی به نیازها و

مشکلات چندبعدی موجود باعث شده است بسیاری از شهرهای در حال توسعه، بدون داشتن برنامه صحیح و همه‌جانبه، در شرایط نابسامانی قرار گیرند و با گسترش ناپایداری و آینده‌ای نامعلوم مواجه باشند. برای رویارویی با این چالش‌ها نیاز به بهره‌گیری از طرح‌های راهبردی مناسب و برنامه‌ریزی آینده‌مدار و آگاهانه است (خزایی، ساسان‌پور، ۱۴۰۱ص ۱۹۴). برنامه‌ریزی استراتژیک فرایندی است که منجر به خلق ابتکارات بهره‌وران خصوصی و عمومی در جهت توسعه شهرها می‌شود. جوهره توسعه استراتژیک احساس مسئولیت در پاسخگویی به نیازهای حال و آینده جامعه و تحقق اهداف تعیین شده است که فقط در پرتو توازن و هماهنگی در تحولات ساختاری جامعه محقق می‌شود. در واقع هدف کلان توسعه استراتژیک ایجاد محیط قابل زندگی برای همه همراه عدالت اجتماعی و کارایی اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی است (Zhao & Shi: 2021: 22). آنچه برنامه‌ریزی راهبردی را از سایر اشکال برنامه‌ریزی مشخص می‌سازد، ضرورت تشکیل فرآیندی برای انتخاب اطلاعات جمع‌آوری شده، نحوه استنتاج و تجزیه و تحلیل‌های هدفمند، تدوین اهداف و سیاست‌ها، و نحوه مشارکت تصمیم‌گیران اصلی، تهیه گزینه‌ها و ارزیابی آنها، توجه به امکانات بالقوه آینده نسبت به تصمیمات و اقدامات امروز و علاوه بر همه آنها، تأکید بر نحوه اجرا و اطمینان از انجام موفقیت‌آمیز می‌باشد (McFarlane, 2011: 35). بنابراین برنامه‌ریزی راهبردی با توجه به اینکه «طرح‌های جامع» در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای از اوایل دهه ۱۹۷۰ اعتبار خود را از دست داده و از آن پس در اکثر کشورهای جهان به عنوان الگوی سنتی شناخته می‌شد، ارائه گردید (Minuchin, 2012: 67). برنامه‌ریزی شهری به شکل نو در ایران، به دوران پس از مشروطیت تعلق دارد. قانون اساسی کشور که در آن دوران با الهام از قوانین اساسی کشورهای فرانسه و بلژیک نگاشته شده بود، در زمینه مدیریت و اداره شهرها نیز ساختاری را معرفی می‌کرد که برگرفته از مدیریت شهری اروپایی بود (سعیدنیا، ۱۴۰۱ص ۳۶). این نوع رویکرد باعث شد که آن انسجام کالبدی و یا سیاست‌های توسعه‌ای که به صورت سنتی در نظام برنامه‌ریزی ایران وجود داشت از بین برود و دوره‌های مختلف با وجود عدم تحقق‌پذیری پیشنهادها کالبد محور و بدون هدف، هیچ‌گونه رویکرد و یا ابزار و الگوی برنامه‌ریزی جدیدی در فرهنگ شهرسازی ایران به وجود نیامد. از این رو با توجه به اینکه مسئله اصلی پژوهش

تبیین تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی شهری راهبردی در فرهنگ شهرسازی ایران: «نمونه موردی شهرکرد» می‌باشد. ابتدا تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری ارائه شده و پس‌از آن تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری در ایران و به طور ویژه شهرکرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. مروری بر ریشه‌های شکل‌گیری برنامه‌ریزی شهری و متعاقباً طرح‌ریزی شهری و توجه به مبانی نظری و بنیان‌های فکری شکل‌دهنده آن، تداعی فرآیند تدوین، بررسی و تصویب طرح‌ها و عدم حضور شهرداری‌ها در فرآیند مذکور به عنوان مهمترین مشکل اساسی تلقی می‌شود و همچنین عدم هماهنگی پیشنهادها با امکانات اجرایی شهرداری‌ها، عامل اصلی تحقق نیافتن بسیاری از پیشنهادها طرح‌های مذکور تلقی گردید. عدم مشارکت مردم در روند تهیه و اجرای طرح‌های جامع شهری و عدم توجه به امکانات و شرایط تحقق طرح‌های جامع شهری از دلایل ضرورت بازنگری در نظام شهرسازی و تهیه طرح‌های مذکور قلمداد شد (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۷ ص ۲).

هدف از طرح مسئله تبیین تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی شهری راهبردی در شهرکرد: دستیابی به برنامه‌ای است که بتواند مسائل شهر شهرکرد را در سطوح فراملی، ملی، منطقه‌ای و محلی تشخیص داده و بر اساس آن هدف‌های لازم را تدوین نماید.

در این راستا ارزیابی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری راهبردی می‌توانند وضعیت محدوده‌های مختلف جغرافیایی شهرکرد را به صورت تطبیقی نشان داده، آن‌ها را از نظر وضعیت امکانات، خدمات و نیز تنگناهای شهری رده‌بندی کرده و اولویت بخشند. بدین ترتیب به کمک این شاخص‌ها می‌توان قابلیت‌ها و تنگناهای شهری - راهبردی شهر را از منظر میزان بهره‌مندی از خدمات، زیربناها و غیره بررسی کرده، تا از این طریق ابزار لازم را برای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و تعیین اهداف برنامه‌ریزی شهری راهبردی فراهم نماید.

۲. پیشینه تحقیق

رهبرنیا و سعیدی رضوانی در پژوهشی با عنوان «ارزیابی تحقق‌پذیری برنامه‌های میان مدت شهرداری کلان شهرها مطالعه موردی برنامه ۵ ساله راهبردی و عملیاتی شیراز (۱۳۹۷-۱۳۹۲)» (۱۴۰۱) نشان دادند که از جمله مهمترین عوامل تأثیرگذار در عدم تحقق اهداف

برنامه‌های میان‌مدت شهرداری شیراز عدم توجه کافی به ویژگی‌های اجتماعات محلی و نیازهای آنها ناپیوستگی میان مراحل مختلف برنامه‌ریزی عدم توجه به زمان‌بندی برنامه‌ها، عدم انعطاف‌پذیری برخی از محورهای برنامه‌ناپایداری درآمدی شهرداری و ... است. در نهایت با استفاده از مدل تحلیل عاملی، ۵ عامل مؤثر در تحقق چشم‌اندازها و اهداف برنامه راهبردی و عملیاتی شهر شیراز مشخص شد: از جمله مهمترین پیشنهاد ارائه شده در این پژوهش جهت افزایش تحقق‌پذیری برنامه‌های، آینده می‌توان به برقراری ارتباط منسجم بین قسمت‌های مختلف برنامه، به طوری که چشم‌اندازها و اهداف مختلف، برنامه یکدیگر را پوشش دهد اشاره کرد. ابراهیمی و زمانی در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر وضعیت تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی کاربری اراضی طرح جامع شهر ملایر» (۱۴۰۰) نشان دادند که به طور کلی تحقق‌پذیری کاربری‌های پیشنهادی اندک بوده است. در این بین کاربری‌های تأسیسات و تجهیزات شهری بهداشتی، بهزیستی، ورزشی، خدمات‌پذیرایی و جهانگردی کمتر از حد متوسط و کاربری‌های آموزشی اداری انتظامی فضای سبز و پارک جنگلی صنعتی، مذهبی و حمل و نقل، بیش از حد متوسط و نیاز احداث شده و تنها کاربری‌های، مسکونی، درمانی، تجاری و فرهنگی تحقق‌پذیری متناسب با پیشنهادها طرح جامع داشته‌اند. در این بین افزایش بی‌رویه سطح و سرانه کاربری صنعتی و معابر خسارات بیشتری را متوجه شهر ملایر نموده است، نوآوری پژوهش تحلیل اختصاصی تحقق‌پذیری طرح جامع شهر ملایر می‌باشد. مولایی و محمدزاده در پژوهشی با عنوان «بازشناسی ابعاد و معیارهای تحقق‌پذیری طرح‌های شهری در تجارب معاصر ایران» (۱۴۰۰) معیارهای مؤثر در فرآیند تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران را به این ترتیب معرفی می‌کنند: صلاحیت کارفرما، مدیریت پروژه، میزان مشارکت عمومی، قدرت اقتصادی و مالی، صلاحیت پیمانکار پروژه، کیفیت طرح پیشنهادی، صلاحیت مشاور پروژه، میزان تعامل حقوقی کیفیت نظام، برنامه‌ریزی پشتیبانی علمی، آکادمیکی، میزان تعامل قانونی و سپس با ارزیابی میزان تحقق‌پذیری پروژه‌های طراحی شهری در ایران با استفاده از معیارها و شاخص‌های نام برده خود به این نتیجه دست یافته‌اند که در وضع موجود پروژه‌های منتخب تحقیق هم بر اساس معیارها و هم بر اساس شاخص‌های تحقیق از حیث میزان تحقق‌پذیری در وضعیت نیمه‌مطلوب تا نامطلوب

قرار دارند و این نتیجه را قابل تعمیم به کل پروژه‌های اجرا شده طراحی شهری ایران می‌دانند. محمدی دوست و همکاران در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل تحقق‌پذیری کاربری فضای سبز با رویکرد راهبرد توسعه شهری در کلان شهر تبریز» (۱۳۹۹) نشان دادند که متأسفانه به دلیل عدم شناخت و رعایت جایگاه فضاهای سبز و عمومی در مرحله تهیه و تصویب طرح‌ها بویژه در زمینه امکان تملک آنها نداشتن معارض اجتماعی عدم توجه به کاربری‌های پیرامونی و... نامشخص بودن جایگاه و ضرورت این کاربری نزد شهروندان و مهمتر از همه نداشتن منابع مالی کافی و پایدار شهرداری‌ها در حفظ این کاربری‌ها منجر به تغییر کاربری این فضاها و عدم تحقق‌پذیری آنها و نهایتاً کم و کمتر شدن سرانه آنها نسبت به شهروندان در گذر زمان شود مهمترین پیشنهاد در زمینه کاهش و حل این مشکل می‌تواند رفتن به سمت آگاهی بخشی عمومی در بین تمامی مؤلفه‌های تاثیرگذار و مقتدرسازی حکومت محلی بویژه در زمینه تامین منابع مالی پایدار باشد.

تاهلر و همکاران در سال (۲۰۲۰): در نظریه خود اثبات کردند که برنامه‌ریزی استراتژیک می‌تواند تحت تاثیر ابزار سیاسی و مدیریت ریسک قرار گیرد. به عبارتی برنامه‌ریزی استراتژیک معمولاً با تغییراتی که در متغیر ابزار سیاسی و مدیریت ریسک ایجاد می‌شود، دچار تغییر می‌شود. زمانی که سازمان در نظر داشته باشد سطح برنامه‌ریزی استراتژیک را تغییر دهد، پیشنهاد می‌شود که ابتدا سطوح مرتبط با متغیر ابزار سیاسی و مدیریت ریسک را تغییر دهد هرمنسون و همکاران در سال (۲۰۲۰): در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک از متغیر مدیریت شرکت‌های دولتی تأثیر می‌پذیرد. به این صورت که سطح تغییرات متغیر مدیریت شرکت‌های دولتی می‌تواند در سطح برنامه‌ریزی استراتژیک تغییر ایجاد نماید. از سوی دیگر این مطالعه پیشنهاد کرد که برای بهبود در سطح برنامه‌ریزی استراتژیک به نظر می‌رسد بهبودهایی در سطح متغیر مدیریت شرکت‌های دولتی می‌تواند مفید باشد اوجها و همکاران در سال (۲۰۲۰): در نظریه خود یک رابطه معنی‌دار بین برنامه‌ریزی استراتژیک و متغیرهای برنامه‌ریزی پویا و عملکرد رقابتی ثابت یافتند. به عبارتی این محققین اثبات کردند زمانی که سطح متغیرهای برنامه‌ریزی پویا و عملکرد رقابتی ثابت دچار تغییر می‌شود، آنگاه می‌توان انتظار داشت که سطح متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک نیز دچار تغییر

شود. همچنین زمانی که متغیرهای برنامه‌ریزی پویا و عملکرد رقابتی ثابت می‌توانند به گونه‌ای برنامه‌ریزی شوند که در جهت تقویت برنامه‌ریزی استراتژیک اقدام نمایند سرشچیکوا و همکاران (۲۰۲۰): این استدلال را داشتند که تغییرات در سطح متغیر مدیریت ریسک می‌توانست بر تغییر در سطح برنامه‌ریزی استراتژیک اثرگذار باشد. به عبارتی زمانی که سطح متغیر مدیریت ریسک دچار بهبود شود، این انتظار وجود دارد که متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک نیز تغییر کند. در صورتی که رابطه متغیر مدیریت ریسک با متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک همسو و هم‌جهت باشد می‌توان انتظار داشت که سطح متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک با بهبود سطح متغیرهای ارائه‌شده در تحقیق، بهبود یابد تا آنکه و همکاران (۲۰۲۰): اشاره کردند که برنامه‌ریزی استراتژیک تحت تأثیر متغیرهای دیگر در یک سازمان قرار می‌گیرد. زمانی که سطح متغیر عملکرد آنلاین در سازمان تغییر می‌کند، آنگاه سطح متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک نیز تغییر می‌کند. همچنین متغیر عملکرد آنلاین اثرگذاری خود را بر روی متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک بر اساس همسو بودن یا ناهمسو بودن اعمال می‌کند. زمانی که نتایج مطالعه نشان دهد، متغیر عملکرد آنلاین ارتباط همسویی را با متغیر برنامه‌ریزی استراتژیک دارند، آنگاه می‌توان گفت که تغییرات آن‌ها سبب تغییرات مثبت در سطح برنامه‌ریزی استراتژیک می‌شود

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت از جمله تحقیقات ترکیبی (کمی-کیفی) و به لحاظ هدف از جمله تحقیقات کاربردی به شمار می‌آید. رویکرد تحقیق حاضر از نوع کمی و کیفی است که ابتدا با استفاده از نرم‌افزار تحلیلی MAXQDA کدهای فرعی، محوری و گزینشی جهت شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری استخراج می‌شوند. جامعه آماری پژوهش حاضر متخصصین و کارشناسان حوزه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری که شامل: اساتید دانشگاه، مشاوران شهرساز، دانشجویان دوره دکتری شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، کارشناسان و مدیران شهرداری و ... می‌باشند. نمونه‌گیری به صورت انتخابی و به روش نمونه‌گیری نیز با استفاده از روش گلوله برفی است. حجم نمونه تا حد اشباع علمی و تعداد ۴۰ نفر است. تحلیل اسناد فرآیند نظام‌مند بررسی و ارزیابی اسناد (هم پرنیت شده و هم

الکترونیکی) است. در این پژوهش، سطح توصیفی شامل توصیفات داده‌های کیفی و کمی بود. در خصوص داده‌های کیفی، توصیفات برگرفته از بازگویی و نقل قول متون و نوشته‌های نهایی بود. علاوه بر این، سطح توصیفی تحلیل همچنین شامل شرح ویژگی‌های اصلی داده‌ها، خلاصه‌سازی روش‌شناسی، منطق‌های تحلیل و نتایج مقالات، کتاب‌ها، طرح‌ها و غیره بود. به طور کلی تحلیل توصیفی موارد زیر را فراهم آورد: نرم‌افزارهایی که در این طرح مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: SPSS، MAXQDA

۴. مبانی نظری تحقیق

دانش برنامه‌ریزی شهری در اوایل قرن بیستم در انگلستان و آمریکا پا گرفت که اولین نظریه‌پردازان مهم آن ابنزر هاوارد و پاتریک گدس بودند که نظریه آنها به عنوان الگوی برنامه‌ریزی جامع یا برنامه‌ریزی عقلانی در سراسر جهان به کار گرفته شد (Bryson et al, 11: 2018). از دهه ۱۹۷۰، از برنامه‌ریزی جامع، به دلیل ناتوانی در شکل‌دهی به تغییرات فضایی در شهرها (به خصوص در کشورهای در حال توسعه)، انعطاف‌ناپذیری، ارتباط ضعیف با اجرا، کمبود ابعاد مشارکت در آن و شکست آن در جلب همکاری ادارات و نهادهای مور نیاز برای تحقق‌پذیری طرح انتقاد شد (Devas, 1993: 158). برخلاف این انتقادها، سبک قدیمی برنامه‌ریزی جامع هنوز در بسیاری از کشورها بکار گرفته می‌شود. اما بسیاری از شهرها در جستجوی جایگزین کردن برنامه‌ریزی فضایی راهبردی بجای برنامه‌ریزی جامع‌اند که انعطاف بیشتری دارد، بخش‌ها و نهادهای مختلف را برای برنامه‌ریزی گرد هم می‌آورد، دامنه‌متغیری از ذی‌نفعان و سطح گسترده‌ای از مشارکت را در بر می‌گیرد (UN – Habitat, 2009). و ارتباط آن با اجرا، از طریق بودجه‌بندی مناسب است (Todes. 2012: 159). در بسیاری از کشورهای توسعه یافته تغییرات اساسی در مبانی طرح‌های شهری صورت گرفته و جهت‌گیری کلی آنها به سمت مردمی شدن بیشتر و انطباق با درخواست‌های جامعه مدنی بوده است (Farlance, 2011: 24). مکانیسم توسعه شهری در تناقض با طرح جامع شهری سنتی می‌باشد که چرا این طرح‌ها از انطباق با تحولات و تصحیح فرایندها عاجز می‌باشد (Qian, 2013: 77). نظر پیتروال در طرح‌های توسعه شهری بجای پرداختن به جزئیات

غیرضروری، باید بر موضوعات اساسی و همچنین یک فرایند چرخه‌ای جهت رسیدن به اهداف تمرکز شود. بنابراین برنامه‌ریزی باید به صورت یک فرآیند گام به گام برای رسیدن به اهداف باشد. در نتیجه برنامه‌ریزی راهبردی در پاسخ به ضعف‌های اساسی طرح‌های جامع در برآوردن نیازهای شهر و هدایت رشد و توسعه‌آتی آن به وجود آمد. در مقایسه با طرح جامع که بر یک خروجی کالبدی به نام نقشه کاربری زمین تأکید می‌کند، برنامه‌ریزی راهبردی تمرکزش بر فرآیندی بودن برنامه‌ریزی و ارتباط بخش‌های محلی با همدیگر و مشارکت محلی است (Panahandekkhah et al, 2009: 335). بنابراین برنامه‌ریزی راهبردی صرفاً یک رویکرد نوین نسبت به برنامه‌ریزی نیست، بلکه یک شیوه نوین تفکر نیز می‌باشد. این الگوی برنامه‌ریزی که ابتدا به شکل استراتژی‌های خاص نظامی در جنگ‌ها کاربرد داشته در دهه ۱۹۲۰ میلادی با الگویی که مدرسه تجاری هاروارد ارائه داد در زمینه‌های تجاری و بازرگانی رواج یافت. بعد از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، هم‌زمان با مورد انتقاد قرار گرفتن الگوی برنامه‌ریزی جامع، در زمینه برنامه‌ریزی شهری نیز رواج پیدا کرد و به دلیل چرخه‌ای، انعطاف‌پذیری و گام به گام بودن این الگوی برنامه‌ریزی، از توجه ویژه‌ای در دنیا برخوردار گردیده است. به طوری که به‌ویژه در دو دهه اخیر بسیاری از شهرهای مهم در کشورهای مختلف دنیا دارای طرح راهبردی بوده‌اند (Halla, 2007: ۱۲۷). برنامه‌ریزی راهبردی، بسیاری از نارسایی‌ها و نواقص برنامه‌ریزی جامع را هم در ابعاد نظری و هم در روش‌های تهیه و اجرا برطرف کرده و امروزه در عمل نیز مورد پذیرش بسیاری از نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری قرار گرفته است (Panahandekkhah et al, 2009: 335). به‌طور کلی برنامه‌ریزی راهبردی فرآیندی است که در آن بر پایه سند چشم‌انداز و یا سایر چارچوب‌های مرجع، توجیهی برای اقدامات منسجم و معنایی برای اقدامات عملی به دست می‌آید. امروزه این روش از برنامه‌ریزی از یک طرف، به طیف وسیعی از فعالیت‌های برنامه‌ریزی در سراسر اروپا از آغاز دهه ۱۹۹۰ در مقیاس‌های بالاتر از سطح حکومت‌های محلی اشاره دارد؛ و از سوی دیگر، در نظریه‌های برنامه‌ریزی برای ترویج یک مجموعه جدید از نظریه‌های هنجاری به منزله معرفی روش «برنامه‌ریزی خوب» استفاده می‌شود. به نظر برخی از افراد ممکن است این نوع دیدگاه به برنامه‌ریزی راهبردی بسیار گسترده باشد. با این حال،

بسیاری از نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی از این دیدگاه گسترده حمایت می‌کنند (Albrechts ۱۳۲).
et al. 2017). شیوه‌های تهیه و تحقق طرح‌های توسعه شهری و همچنین اهداف و محتوای
این طرح‌ها از هنگامی که در هدایت توسعه شهرها مورد استفاده قرار گرفتند، دست‌خوش
تحولات بسیاری شده است. این تحولات در کشورهای مختلف به گونه‌ای متفاوت مطرح
بوده است و در اغلب کشورها این تحولات یا همزمان نبوده‌اند و منقطع صورت گرفته‌اند و یا
اینکه برخی از مراحل تحول اساساً مجال تحقق نیافته‌اند. به رغم تفاوت تحولات تحقق‌پذیری
در کشورهای توسعه‌یافته، وجوه مشترکی نیز هست که در مراحل زمانی مختلف به وقوع
پیوسته و با توجه به همزمانی وقوع تحولات و نقش مهمی که این کشورها نیز به عنوان الگو
مورد استفاده قرار گرفته است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۸). می‌توان الگوهای نو در
برنامه‌ریزی را به جز آن دسته از رویکردهایی که به نفی طرح رسیده و بیشتر به مطالعه شهرها
تا برنامه‌ریزی آنها تأکید دارد به دو دسته کلی برنامه‌ریزی جامعه محور و برنامه‌ریزی بازار
محور تقسیم نمود که هر کدام تأکیدات جداگانه‌ای بر نقش و چگونگی مداخله سه عامل
اساسی دولت، جامعه و بازار در برنامه‌ریزی دارند. اگرچه برخی از این الگوها چون
برنامه‌ریزی مشارکتی یا ارتباطی، برنامه‌ریزی مردمی یا دموکراتیک و غیره، بیشتر تئوریهایی
هنجاری و محتوایی بوده که شکاف تئوری و عمل آنها هنوز زیاد است و در عمل تا کنون
دارای دستاورد چندانی نبوده‌اند، اما کوشش برای یافتن پاسخی به این سؤال که چگونه
می‌توان ایده‌های برنامه‌ریزی را محقق نمود، محتوای اصلی همه تئوریهای فرآیندی
برنامه‌ریزی بوده است. این دوران هنوز گنگ و نامتجانس را می‌توان دوران مشارکت و
دخالت مردم در طرح‌ریزی دانست. برنامه‌ریزی در این رویکرد، از نوع مذاکره‌ای و گفتگویی
است و نقش برنامه‌ریزان نیز به میانجی‌گری و مشارکت مداوم در مناقشه تحول یافته است
(رفعیان و همکاران، ۱۳۸۷ص ۸). از جمله الگوهای نوین برنامه‌ریزی که توجهی ویژه به
مسئله تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه دارد، برنامه‌ریزی کارآفرین یا بازار محور است.
برنامه‌ریزی کارآفرین در تلاش برای تأمین منافع عمومی، از طریق سازوکارهای بازار و احترام
به منافع خصوصی است و سعی می‌نماید گرایش‌های خود به خودی و گاه ضد توسعه بازار را
در جهت منافع جامعه هدایت نماید. بنابراین بسترسازی، کنترل و پایش مستمر بازار، اعم از

منافع عمومی تأمین شده از یک طرف و اثرات مخرب محیطی، اقتصادی و اجتماعی به ویژه توزیع ناعادلانه ثروت از طرف دیگر، از اهمیت فوق‌العاده‌ای در این برنامه‌ریزی برخوردار می‌باشد. کارآفرینی شهری مسئول تأمین منافع عمومی و کنترل اثرات توسعه در شهرها است و می‌بایست همراه با دیگر نظام‌های کنترل اجتماعی به اجرا درآید، تا توسعه به مفهوم واقعی یعنی عدالت و آزادی امکان تحقق یابد (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۷ ص ۱۰). در چند دهه اخیر، رویکردهای نوینی به منظور تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری مورد استفاده قرار گرفته است، که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) افزایش نقش بخش خصوصی و استفاده از سرمایه‌گذاری آنها

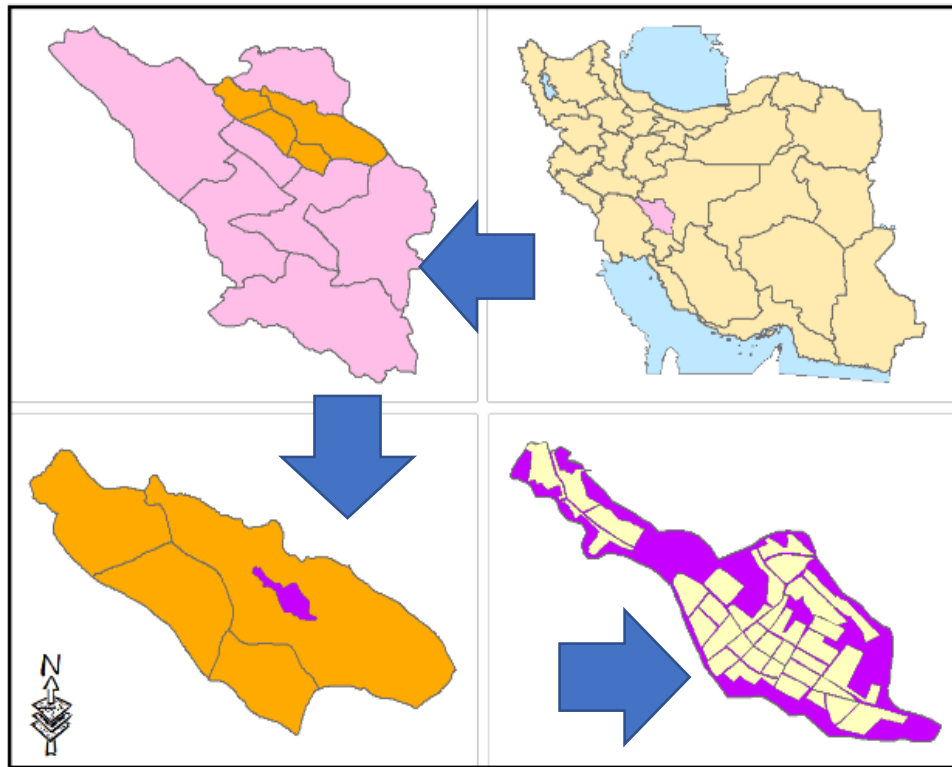
ب) استفاده از مشارکت عمومی

ج) گذر از حکومت شهری به حکمرانی شهری (مهندسان مشاور بافت شهر، ۱۳۸۲ ص ۱۴).

در نظام برنامه‌ریزی ایران نیز تحقق‌ناپذیری برنامه‌های تهیه شده با رویکرد جامع، به معنای موفقیت اندک در دستیابی به اهداف، و آشکار شدن لزوم تغییر رویکردهای تهیه برنامه‌های توسعه فضایی شهر بر اکثریت صاحب‌نظران برنامه‌ریزی شهری ایران، منجر به تعیین دستور کار جدیدی برای برنامه‌ریزی گشت. در نهایت در سال ۱۳۷۸ شمسی و در پی یک روند نسبتاً طولانی و برقراری تفاهم میان شهرداری شهر تهران و وزارت مسکن و شهرسازی شرح خدمات برنامه‌هایی با عنوان «برنامه‌های راهبردی - ساختاری» تدوین و برنامه راهبردی ساختاری شهر تهران به منظور رفع کاستی‌ها و چالش‌های الگوواره‌های جامع تدوین شد. باگذشت چیزی حدود چهار سال از تصویب برنامه، اجرایی‌نشدن و عدم برخورداری از مقبولیت لازم به جز در میان تهیه‌کنندگان آن، صاحب‌نظران مختلف در عرصه برنامه‌ریزی توسعه فضایی را به این باور رسانیده که «الگوواره‌های راهبردی در زمینه‌های قلمرویی ایران از کارایی و مناسبت لازم برخوردار نمی‌باشد. همچنین پیش‌بینی‌ها دال بر آن است که به دلیل کاستی‌های موجود در تهیه این برنامه یا اساساً اجرا نشده باقی خواهند ماند، یا تغییر ماهیت می‌یابند و یا از منظر هزینه - فایده اجتماعی اقتصادی جای مناقشه دارد (رئیس‌دانا، ۲۵ ص ۱۳۸۸).

۲.۴. موقعیت جغرافیایی شهرکرد

شهر شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غرب شهر اصفهان و در ارتفاع ۲۲۰۰ متری واقع شده است. استان چهارمحال و بختیاری سرزمینی مرتفع و کوهستانی و در گستره مرکزی فلات ایران در پیشکوه‌های زاگرس قرار دارد. این استان از شمال و شرق به استان اصفهان، از غرب به استان خوزستان، از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمد و از سمت شمال غرب به استان لرستان محدود می‌گردد. از نظر موقعیت جغرافیایی شهر شهرکرد در طول شرقی ۵۰ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۲ دقیقه و عرض شمالی، ۳۲ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۲۰ دقیقه واقع شده است. جهت‌گیری عمومی کوهستان‌ها در اطراف شهر بیشتر شمال غرب - جنوب شرق و غربی - شرقی می‌باشد. از اصلی‌ترین کوه‌های منطقه می‌توان به کوه کلاه قاضی با ارتفاع ۲۶۰۰ متر، کوه شیدا با ۲۶۰۰ متر، کوه شاه منظر با ارتفاع ۲۶۱۳ متر و کوه بزلبز با ارتفاع ۲۶۵۰ متر اشاره نمود. شیب عمومی منطقه در قسمت‌های شمال غربی عمدتاً جنوب غرب و جنوب می‌باشد و در قسمت‌های شمالی شیب عمومی به سمت جنوب و جنوب شرق می‌باشد.



شکل ۱. نقشه موقعیت شهر شهرکرد

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. تحلیل چگونگی تحقق برنامه‌ریزی راهبردی در مقیاس جهانی

جهت بررسی و تحلیل چگونگی محقق‌شدن برنامه‌های راهبردی و طرح‌های توسعه شهری که جنبه راهبردی داشته‌اند از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد است. به این صورت که با مطالعه منابع موجود (نمونه طرح‌های توسعه شهری، مطالعات ارزیابی طرح‌های توسعه شهری، مقالات و کتاب‌های موجود، پایان‌نامه‌ها و سایر کارهای علمی و پژوهشی)، اقدام به فیش‌برداری و یادداشت‌برداری کرده، سپس با وارد کردن این یادداشت‌ها در نرم‌افزار تحلیلی MAXQDA ابتدا تعداد ۴۵۰ کد اولیه در قالب ۱۱۰ کد محوری استخراج شدند. سپس با بازبینی و تجدیدنظر تعداد کدهای محوری به ۷۹ کد تدقیق شدند. در گام بعدی این

۷۹ کد محوری در قالب ۷ کد گزینشی قرار گرفتند. سپس با رتبه‌بندی این کدهای گزینشی مشخص شد که علل تحقق‌پذیری برنامه‌های راهبردی در کشورهای موفق در این زمینه چه بوده‌اند. در ادامه به صورت تفصیلی هر کدام از کدهای گزینشی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲.۵. کد گزینشی انطباق‌پذیری

منظور از انطباق‌پذیری^۱، در طرح‌های توسعه شهری میزان توانایی طرح‌ها در پاسخ به تغییرات درونی و بیرونی محیط است. طرح‌های انطباق‌پذیر، قابلیت سازگاری با تغییرات محیطی را دارند و می‌توانند در مقابل تغییرات را انعطاف و تاب‌آوری لازم را داشته باشند. به بیان دیگر، انطباق‌پذیری به این معناست که طرح‌ها هر چقدر سریع می‌توانند فرآیندهای حاکم بر خود را تنظیم کرده و خود را برای دستیابی به اهداف آماده کنند. به‌طور کلی انطباق‌پذیری، یکی از شروط اصلی برای به دست آوردن مزیت رقابتی شدن شهر به شمار می‌رود. در این پژوهش برای این مؤلفه تعداد ۵۵ کد اولیه در قالب ۹ کد گزینشی استخراج شد. کدهای محوری برای کد گزینشی شامل موارد زیر: - مطابقت با ساختار اقتصادی و سیاسی (۵ بار تکرار در مطالعات)، - سازوکار برنامه‌ریزی در درون تشکیلات محیط (۶ بار تکرار در مطالعات)، - در نظرگیری خانوارها و بنگاه‌ها (۶ بار تکرار در مطالعات)، - هم‌سازی و هماهنگی اهداف موجود در طرح‌ها، با یکدیگر (۸ بار تکرار در مطالعات)، - سازگاری طرح‌ها با معیشت و پایگاه اقتصادی ساکنین (۴ بار تکرار در مطالعات)، - توانمندی طرح‌ها در حل مشکلات و برآورد نیازهای شهروندان (۷ بار تکرار در مطالعات)، - اطلاعات و دانش بومی در زمینه تهیه طرح‌ها (۹ بار تکرار در مطالعات)، - مقبولیت طرح‌ها از بعد اجتماعی (موافقت و همراهی مردم با طرح)، (۳ بار تکرار در مطالعات)، - تناسب داشتن طرح‌ها با ویژگی‌های اقلیمی و شرایط جغرافیایی (۷ بار تکرار در مطالعات)

کد گزینشی هماهنگی

هماهنگی کارآمد بین طرح‌های راهبردی (به‌خصوص در طرح‌های فرداست و موازی) و هماهنگی بین نهادی و بخشی، پیچیدگی‌های غیرضروری (چه درونی و چه بیرونی) را کاهش

1. adaptability

می‌دهد؛ بنابراین، طرح‌هایی که از انواع هماهنگی برخوردار است، کارآمدتر می‌شود؛ پویایی بین سطوح خرد و کلان آن افزایش می‌یابد؛ رابطه بین بخش‌های مختلف طرح و ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان آن بهبود پیدا می‌کند؛ اطمینان بین واحدهایی که در آن مجموعه با هم همکاری می‌کنند، بیشتر می‌شود و وظایف نیز به‌روشنی تعریف می‌شوند. به طور خلاصه برای تعریف هماهنگی در طرح‌های راهبردی باید گفت، هماهنگی فرآیند برقراری ارتباط بین کارها و منابع تمام بخش‌های مختلف یک طرح، به منظور رسیدن به هدف مشخص و مشترکی است. در این پژوهش نیز هماهنگی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی و گزینشی برای مشخص شدن تحقق‌پذیری طرح‌های راهبردی استخراج شد. به‌طورکلی تعداد ۶۳ کد در قالب ۱۲ محور برای مؤلفه هماهنگی استخراج شد

کدهای محوری استخراج شده برای مؤلفه هماهنگی به شرح زیر هستند:

- وجود مدیریت هماهنگ کننده در شهر (۳ بار تکرار در مطالعات)، - هماهنگی نظریه‌های جهانی با اقتضانات فرهنگی (۴ بار تکرار در مطالعات)، - ارتباط مناسب با ابعاد ملی و منطقه‌ای (۱۰ بار تکرار در مطالعات)، - هم‌راستا بودن اهداف طرح با اهداف طرح‌های بالادست (۷ بار تکرار در مطالعات)، - تهیه طرح‌ها مطابق با زمان‌بندی اولیه (۴ بار تکرار در مطالعات)، - انطباق طرح‌های انجام شده با الگوی کلی و استاندارد تهیه طرح‌ها (۷ بار تکرار در مطالعات)، - تهیه نقشه‌های معماری و شهرسازی همگون با الگوهای طراحی شهری و اقلیم (۴ بار تکرار در مطالعات)، - توجه به اصل کثرت در حین وحدت (۳ بار تکرار در مطالعات)، - در نظر داشتن شهر و پیرامون آن در هنگام تهیه طرح (۱۰ بار تکرار در مطالعات)، - الزام هماهنگی و ارتباط بین مراحل مختلف مطالعات (۶ بار تکرار در مطالعات)، - هماهنگی دستگاه‌های مرتبط با طرح‌های توسعه شهری (۴ بار تکرار در مطالعات)، - ارائه راهکارهای پیشنهادی طرح در راستای دستیابی به اهداف مهم طرح (۴ بار تکرار در مطالعات)

کد‌گزینی ارتباط و نظام‌مندی

وجود ارتباط بین ارکان سازمانی و اجرایی طرح‌های توسعه شهری به عنوان یک مؤلفه کلیدی برای تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری شناخته شده است. مؤلفه ارتباط و نظام‌مندی در قالب ۱۲ شاخص استخراج شده که به شرح زیر است.

کدهای محوری استخراج شده بای مؤلفه ارتباط و نظام‌مندی به شرح زیر هستند:

- سرمشق مناسب برای اصلاح و تغییر نهادسازی برای موفقیت طرح‌ها، - توجه مؤکد به هدف اولیه تهیه طرح‌ها (اجرایی بود)، - تدوین چارچوب مطالعاتی دقیق برای مراحل طرح، - تفکیک مراحل انجام مطالعات طرح‌ها به بخش‌های مختلف، - استفاده از طرح‌های فرادست در خصوص نمایان ساختن جایگاه شهر، - تعامل بین کارفرما و مشاورین در تنظیم شرح خدمات طرح‌ها، - بهره‌گیری از نظرات و پیشنهادها متخصصین برای اولویت‌بندی نیازها، - اولویت‌بندی در مشکلات و نیازهای شهروندان، - برآورد منابع مالی و انسانی پروژه‌های طرح، - بهره‌مندی از دستاوردها و تجارب گذشته در تهیه طرح‌ها، - توجه به ایدئولوژی و فرهنگ حاکم بر جامعه، - مشارکت مردمی در تهیه طرح‌ها و طرح مسئله

کد‌گزینی انعطاف‌پذیری

بسیاری از مسائل و ابعاد باید در روند تهیه طرح‌ها و برنامه‌های شهری مورد توجه قرار بگیرد و برای دستیابی به این مهم نیاز است. در ابتدا وضعیت فعلی شهر، ابعاد طرح، روند تهیه، اهداف و چشم‌انداز آینده شهر به خوبی تبیین شود. در این پژوهش نیز انعطاف‌پذیری به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی و گزینشی برای مشخص شدن تحقق‌پذیری طرح‌های راهبردی استخراج شد. به‌طورکلی تعداد ۵۷ کد در قالب ۱۰ محور برای مؤلفه هماهنگی استخراج شد مطابق با نمودار کدهای محوری استخراج شده بای مؤلفه انعطاف‌پذیری به شرح زیر هستند: - نگاه چند بعدی به اهداف برنامه‌ها، - ظرفیت‌سنجی بخش‌های مختلف و برنامه متناسب آن، - انعطاف‌پذیری در شرح خدمات، - استفاده از آراء مختلف و مخالف، - حرکت از مرحله حکومت به مرحله حکمروایی، - حرکت به سوی جامعه کثرت‌گرا، - درگیر

کردن ابعاد دیگر اندیشی، - اصلاح اشتباهات، - قابلیت تغییر، - قابلیت تغییر ناهم‌خوانی با مقتضیات مکانی و زمانی

کد گزینشی واقع‌گرایی

زمینه‌های ارزشی و فرهنگی، نظام فکری و فلسفی آن جامعه‌ای است که مسبب اصلی شکل‌گیری و هدایت نظریه‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی شهری خاص خود است. در این میان، مفاهیم و الگوهای شهرسازی در ایران نیز بر اثر موج فراگیر جهانی‌شدن، تحت تأثیر رویکردهای غربی، دچار نظام فکری متشتت و بحران هویت شده و لزوم بازتعریف الگوها و بنیادهای شهرسازی مبتنی بر فرهنگ و حکمت ایرانی بیش از پیش آشکار شده است. در این پژوهش نیز دستیابی به تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی شهری برای شهر ایرانی واقع‌گرایی مدنظر قرار گرفته است. از این رو تعداد ۵۵ کد اولیه در قالب ۱۰ کد محوری استخراج شد کدهای محوری برای مؤلفه واقع‌گرایی به صورت زیر است: - تدوین اهداف عملیاتی، - توجه به ارزش‌ها و برنامه‌های هنجارین، - توجه به شرایط محلی، - توجه به مشکلات و نیازمندی‌ها، - ارائه آلت‌رناتیوها و گزینه‌های متعدد در مرحله تهیه و اجرا، - وضوح و شفافیت در بیان اهداف طرح‌ها، - توجه به اصول معماری و شهرسازی بستر و زمینه، - بهره‌گیری از داده‌های به روز و موثق، - آینده‌پژوهی متناسب با شرایط موجود، - در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود جامعه

کد گزینشی برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و مشارکت‌گرا

سیستم اداری ایران به صورت متمرکز اداره می‌شود که این سیستم باعث به وجود آمدن چالش‌هایی در اداره کشور بویژه در حوزه مدیریت شهری بوده است. هرچند که تا حدودی حرکتی جدید به سمت تمرکززدایی در شهرها شروع شده، اما به خاطر سیستم پیچیده ساختار مدیریتی و برنامه‌ریزی کشور، هنوز این امر در زمینه تمرکززدایی توفیقی نداشته و به همین دلیل سیستم مدیریت شهری با چالش‌های بزرگی همراه است. در پژوهش حاضر نیز کد گزینشی برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و مشارکت‌گرا به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری

طرح‌های توسعه شهری بوده است که در قالب ۲۰ کد محوری و ۱۱۲ کد اولیه استخراج شده‌اند.

برای مؤلفه برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و مشارکت‌گرا به صورت زیر است: - حضور نمایندگان مردم در جلسات، - تسریع در اجرا شدن برنامه‌ها و عدم دوباره کاری، - وجود اجماع و تعامل در سیاستگذاری‌ها - تحقق یافتن انگیزه‌ها و خواسته‌های شهروندان، - مدیریت مطلوب و بهینه منابع مالی، - طراحی هماهنگ با خواسته‌های گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع‌زد، - در نظر گرفتن مردم به عنوان مخاطبین اصلی، - ایجاد ارتباط ذهنی مردم بین وضع موجود و وضع مطلوب - آموزش ساکنین در مورد کیفیت محیط زندگی شان، - وجود اعتماد در مردم به حاکمیت و تصمیم‌گیرندگان، - توجه به آزادی تشکیل گروه‌ها و اجتماعات، - دخالت مؤثر مردم در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، - هماهنگی با شیوه زندگی و فرهنگ ساکنین، - استفاده از وسایل ارتباط جمعی در تقویت روحیه مشارکتی، - اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم در تدوین و اجرای برنامه‌ها، - مکمل‌گری در انجام وظایف و مأموریت‌ها، - شکل‌گیری تشکل‌های مردمی، - عدم هم‌پوشانی وظایف در نهادهای مختلف، - یک صدایی و یکپارچگی در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، - واگذاری حداکثر امور با شهروندان

کد گزینشی شفافیت

از آنجا که شهروندان در تصمیمات اتخاذ شده برای شهر ذی‌نفع هستند، بنابراین حق آنهاست نوع برنامه‌ها و طرح‌های که برای شهر مد نظر است مطلع باشند. در این پژوهش تعداد ۳۸ کد اولیه در قالب ۶ کد محوری استخراج شد که به شرح زیر است: کدهای محوری استخراج شده به شرح زیر است: - اطلاع‌رسانی در نحوه تهیه و اجرا برنامه‌ها، - مشخص بودن رویه و محتوای برنامه‌ها، - دسترسی به نقشه‌های پیشنهادی برای همه شهروندان، - ایجاد بانک اطلاعات زمین و کنترل و نظارت بر روند ساخت و ساز، - منابع مالی مشخص و کافی،

برای مشخص شدن تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری در مقیاس جهانی ابتدا منابع مختلف اعم از کتاب، مقاله، گزارشات، طرح‌های مختلف توسعه شهری مطالعه شد، سپس با

استفاده از نرم‌افزار MAXQDA اقدام به کدگذاری مطالب شد. نهایت تعداد ۷ کد گزینشی در قالب ۷ کد محوری استخراج شد. به‌طورکلی در کشورهای موفق در زمینه برنامه‌ریزی راهبردی با توجه و تأکید بر مؤلفه‌های انطباق‌پذیری، هماهنگی، ارتباط و نظام‌مندی، واقع‌گرایی، برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و شفافیت توانستند طرح‌های توسعه شهری را محقق کنند.

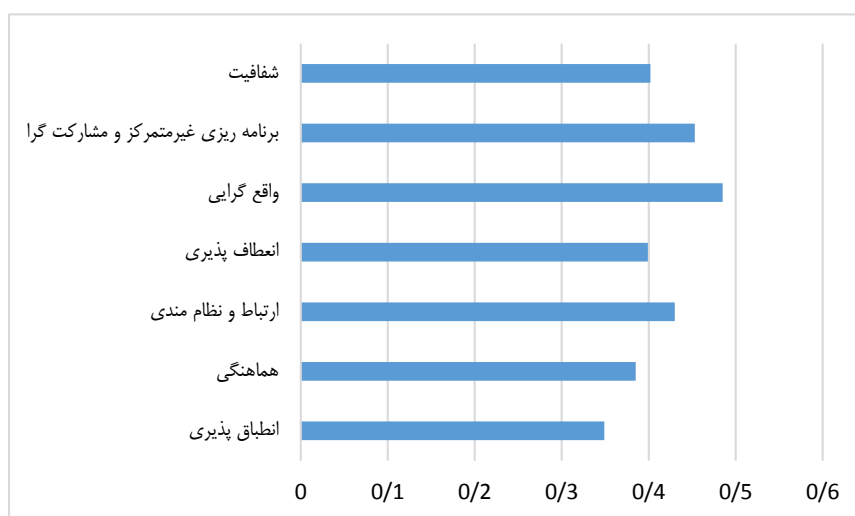


شکل ۲. کدهای گزینشی و محوری استخراج شده برای تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری در

مقیاس جهان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

در ادامه برای مشخص شده اولویت‌بندی هر کدام از مؤلفه‌های استخراج شده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره استفاده شده است. به عبارت دیگر با استفاده از نظر متخصصین و کارشناسان مشخص شد که کدام یک از مؤلفه‌های استخراج شده بیشترین تأثیر را در تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهر دارد. که نتایج یافته‌های به دست آمده به صورت زیر است:



شکل ۳. رتبه نهایی مؤلفه‌های اصلی تحقق‌پذیری مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

با عنایت به یافته‌های بدست آمده در نمودار فوق باید گفت که از میان مؤلفه‌های مطرح شده برای شناخت مهمترین عامل در تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری در مقیاس جهانی، مؤلفه واقع‌گرایی و انعطاف‌پذیری بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ایده عمومی پژوهش حاضر این بوده است که زمینه‌ها و فرآیندهای سیاسی حاکم بر سیستم مدیریت ایران، موجب شده همه حوزه‌ها از جمله طرح‌های توسعه شهری تحت تأثیر قرار بگیرند. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی راهبردی (نه به آن صورت که در کشورهای موفق مد

نظر است) و طرح‌های توسعه شهری به تبع ساختار سیاسی و مدیریتی حاکم بر کشور به صورت متمرکز، غیرقابل انعطاف، ضعف در ارتباط و نظام‌مندی، عدم توجه به شاخص‌های هماهنگی و شفافیت اجرا شده است در چهارچوب ایده مذکور، باید گفت که شهرهای کشور همواره با چالش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زیست‌محیطی و بخصوص کالبدی مواجه بوده است. منطقه‌ای، همواره افزایش خدمات، فعالیت و... را نسبت به سایر مناطق داشته‌اند. در حال، ساختار مدیریتی کشور بخصوص در حوزه طرح‌های توسعه شهری و برنامه‌ریزی راهبردی، یک ساختار فضایی بسیار پیچیده است که در ترکیب با انواع متنوعی از عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عمل می‌کند. به طور خلاصه باید گفت که برای هر فضای جغرافیایی خاص یک سازوکار خاص برای تحقق‌پذیری طرح‌ها می‌بایست مدنظر قرار داد.

- یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از جمله دلایل عدم تحقق برنامه‌های توسعه شهری عدم مشارکت‌گرایی و تمرکز در تهیه و تدوین برنامه‌ها است. از این رو پیشنهاد می‌شود که با استفاده از تجارب کشورهای موفق و با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی بر کشور، راهکارهای اساسی برای مشارکت همه احاد مردم در تمام مراحل طرح‌های توسعه شهری اتخاذ شود.

- نتایج نشان داد که تدوین اهداف عملیاتی و متناسب با ارزش‌ها و برنامه‌های هنجارین که مختص شرایط محلی هر شهر و منطقه جغرافیایی است، منجر به تحقق‌پذیری بیشتر طرح‌های توسعه شهری می‌شود. از این رو پیشنهاد می‌شود که در ارائه اهداف و پیشنهادها طرح‌های توسعه شهری و راهبردی واقع‌گرایی و محل‌گرایی می‌بایست در نظر تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان قرار گیرد.

- در نظر گرفتن مردم به عنوان مخاطبین اصلی و ایجاد ارتباط ذهنی مردم بین وضع موجود و وضع مطلوب از طریق آموزش ساکنین موجب اعتماد در مردم به حاکمیت و تصمیم‌گیرندگان می‌شود، از این رو پیشنهاد می‌شود که با دخالت مؤثر مردم در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها شرایط را برای تحقق‌پذیری طرح‌های شهری فراهم شود.

- در جریان قرار گرفتن مردم و وضوح و شفافیت در بیان اهداف طرح‌ها در تحقق‌پذیری طرح‌های بسیار تأثیرگذار است چرا که موجب مقبولیت و مشارکت بیشتر مردم در اجرای اهداف طرح‌های توسعه شهری می‌شود، از این رو پیشنهاد می‌شود که با اتخاذ سازکارهای مناسب و دقیق و با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود جامعه مردم را در همه مراحل تهیه و تدین طرح‌های درگیر کنند.

- یافته‌ها نشان داد که طرح‌های توسعه شهری در ایران و شهرکرد عدم مطابقت طرح‌های با ساختار اقتصادی و سیاسی است. علاوه بر این همه گروه‌ها به خصوص خانوارها و بنگاه‌ها اقتصادی را در نظر نگرفته است. از این رو پیشنهاد می‌شود که در طرح‌های توسعه شهری تأکید بر همسازی و هماهنگی اهداف موجود در طرح‌ها با ساختار حاکم باشد و سازگاری طرح‌ها با معیشت و پایگاه اقتصادی ساکنین در نظر گرفته شود.

- با بررسی کشورهای موفق در حوزه تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری مشخص شد که اطلاعات و دانش بومی در زمینه تهیه طرح‌ها و مقبولیت طرح‌ها از بعد اجتماعی (موافقت و همراهی مردم با طرح) از جمله عوامل مؤثر برای تحقق‌پذیری طرح‌ها و برنامه‌های راهبردی شهری است. از این رو پیشنهاد می‌شود که در شهرهای کشور که طرحی تهیه و تدوین می‌شود باید شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه میزبان مدنظر قرار گیرد و تا حد امکان طرح مورد توجه و مقبولیت عامه مردم قرار گیرد.

- کشور ایران به لحاظ اقلیمی و شرایط جغرافیایی بسیار متنوع است به عنوان مثال شهرکرد در شرایط اقلیمی سرد و کوهستانی و با ارتفاع بالا قرار دارد و شهر کرمان در ارتفاع پایین‌تر و اقلیم گرم و خشک قرار دارد، از این رو لازم است که تناسب داشتن طرح‌ها با ویژگی‌های اقلیمی و شرایط جغرافیایی حتماً مدنظر قرار گیرد.

کتابنامه

۱. خزایی، مصطفی و ساسان‌پور، فرزانه (۱۴۰۱) بررسی فرایند کاربست توسعه راهبردی شهر ملارد با استفاده از مدل Meta SWOT. مجله آمایش سرزمین، ۱۴(۱)، ۱۴۰۱.
۲. خستو، مریم (۱۳۹۹) تأثیر شکل شهر بر فرهنگ: رویکردی تاریخی، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال یازدهم.
۳. رضایی، فرشته، توکلی‌نیا، جمیله، صرافی، مظفر (۱۴۰۰) بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری (نمونه موردی: کلان‌شهر تهران)، نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۲۵، شماره ۷۷.
۴. رضایی، ناصر، ماجدی، حمی، زرآبادی، زهراسادات (سعیده)، ذبیحی، حسین، (۱۳۹۷) تبیین نقش عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری (مطالعه موردی: شهر شیراز)، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۹، شماره پیاپی ۳۴، پاییز.
۵. رهنما، محمدرحیم (۱۳۸۷) پژوهش پیرامون تحقق طرح‌های تفصیلی شهری با تأکید بر کاربری آموزشی، بهداشتی و درمانی، چاپ اول، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد.
۶. کیانی، گشتاسب، افضل‌ی، کوروش، زیاری، کرامت‌الله (۱۴۰۰) مدل ارزیابی تحقق‌پذیری برنامه‌ریزی راهبردی در شهرسازی ایران، نجف‌آباد، مجله جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۰(۳۹).
۷. گرجی‌پور، فاطمه (۱۳۹۹) «چشم‌اندازسازی مشارکتی در فرایند راهبرد توسعه شهری (CDS) شهر گچساران تا سال ۱۴۰۶»، رهیافتی در مدیریت بازرگانی، ش ۲.
۸. ماجدی، حمید (۱۳۹۱) نظریه‌های ساختاری - راهبردی شهری و ناحیه‌ای، تهران: دانشگاه آزاد - علوم تحقیقات، چاپ اول.
۹. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۹۱) شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی طرح جامع تهران، نشریه دانش شهر، شماره ۱۱۲.
۱۰. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری کشور (۱۳۹۸)، طرح آمایش استان چهارمحال و بختیاری.
۱۱. مهندسین مشاور شامند (۱۳۹۱) شیوه‌های تحقق طرح‌های توسعه شهری، جلد اول تا سوم، بررسی تجارب تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری در ایران، تهران: انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، چاپ دوم.

12. Bryson, J. M. (2018). *Strategic Planning for Public and Nonprofit Organizations: A Guide to Strengthening and Sustaining Organizational Achievement*. jossey-bass (third edit, Vol. 34). san francisco: jossey-bass. <https://doi.org/10.1037/027983>
13. Bryson, J. M., Edwards, L. H., & Van Slyke, D. M. (2018). Getting strategic about strategic planning research. *Public Management Review*. Routledge. <https://doi.org/10.1080/14719037.2017.1285111>
14. Burt, G., & Nair, A. K. (2020). Rigidities of imagination in scenario planning: Strategic foresight through ‘Unlearning’. *Technological Forecasting and Social Change*, 153, 119927.
15. Globocnik, D., Faullant, R., & Parastuty, Z. (2020). Bridging strategic planning and business model management—A formal control framework to manage business model portfolios and dynamics. *European Management Journal*, 38(2), 231-243.
16. Guevara, E., Babonneau, F., Homem-de-Mello, T., & Moret, S. (2020). A machine learning and distributionally robust optimization framework for strategic energy planning under uncertainty. *Applied Energy*, 271, 115005.
17. Hermanson, D. R., Tompkins, J. G., Veliyath, R., & Ye, Z. S. (2020). Strategic planning committees on US public company boards: Axiomatic or paradoxical?. *Long Range Planning*, 101967.
18. Hersperger, A. M., Bürgi, M., Wende, W., Bacău, S., & Grădinaru, S. R. (2020). Does landscape play a role in strategic spatial planning of European urban regions?. *Landscape and Urban Planning*, 194, 103702.
19. Iwaniec, D. M., Cook, E. M., Davidson, M. J., Berbés-Blázquez, M., & Grimm, N. B. (2020). Integrating existing climate adaptation planning into future visions: A strategic scenario for the central Arizona–Phoenix region. *Landscape and Urban Planning*, 200, 103820.
20. Jaeckel, A. (2020). Strategic environmental planning for deep seabed mining in the area. *Marine Policy*, 114, 103423.
21. Khatib, M., & Farahanynia, M. (2020). Planning conditions (strategic planning, task repetition, and joint planning), cognitive task complexity, and task type: Effects on L2 oral performance. *System*, 93, 102297.
22. Malik, M. Z., Kumar, M., Soomro, A. M., Baloch, M. H., Gul, M., Farhan, M., & Kaloi, G. S. (2020). Strategic planning of renewable distributed generation in radial distribution system using advanced MOPSO method. *Energy Reports*, 6, 2872-2886.
23. McFarlane, C., 2011, *Assemblage and critical urbanism*. *City* 15.2, 204–24. TRETTER, ELIOT M., 2012, *Contesting Sustainability: ‘SMART Growth’ and the Redevelopment of Austin’s Eastside*, *International Journal of Urban and Regional Research*, Volume 37.1, pp. 297–310
24. Minuchin, L (2012). A lineal city in the Pampas politics. *Materialization and revolution in Wladimiro Acosta’s vision for Buenos Aires Antipode* 44(4), 911-931.

25. Ojha, D., Patel, P. C., & Sridharan, S. V. (۲۰۲۰). Dynamic strategic planning and firm competitive performance: A conceptualization and an empirical test. *International Journal of Production Economics*, ۲۲۲, ۱۰۷۵-۹.
26. Pakzad, J. (20۱۰), *Theoretical Basis and Urban Design Process*. Shahidi Publishing House, Third Edition.
27. Pakzad, Jahanshah (2016) *Theoretical Foundations and Urban Design Process*, Ministry of Housing and Urban Development, Tehran
28. Syreishchikova, N. V., Pimenov, D. Y., Mikolajczyk, T., & Moldovan, L. (2020). Development of a Risk Management Technique in Strategic Planning of Universities. Case study of a Polytechnical Institute. *Procedia Manufacturing*, 46, 256-262.
29. Tang, P., He, F., Lin, X., & Li, M. (2020). Online-to-offline mobile charging system for electric vehicles: Strategic planning and online operation. *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, 87, 102522.
30. Thaler, T., Nordbeck, R., Löschner, L., & Seher, W. (2020). Cooperation in flood risk management: understanding the role of strategic planning in two Austrian policy instruments. *Environmental Science & Policy*, 114, 170-177.
31. Tripodi, T., Fellin, P. & Epstein I. (1971). *Social Program Evaluation: Guidelines for Health, Education, and Welfare Administrators*, F. E. Peacock Publishers.
32. Zhao, H. & Xiuhua, Sh. (2021). Study on the Development Strategy of Tourism City Planning in Harbin under the Background of New Urbanization. *IOP Conf. Ser.: Earth Environ. Sci.* 787 012055, pp. 1-5.
33. Zhu, Qian (2013). Master plan, plan adjustment and urban development reality under China's market transition: A case study of Nanjing. *Cities*, Vol.30, pp.77-88.